

● اسدالله شعبانی

ما گل‌های خندانیم

فرزندان ایرانیم

جستاری پیرامون شعر کودک در ایران



اشاره: آن‌چه که می‌خوانید، بخشی از مطلب مفصلی است که به‌طور کامل به‌ویژگی‌های شعر کودک و نوجوان پرداخته‌است. برای آشنایی با ماهیت کلی این مقوله، قسمت‌های اصلی انتخاب شده که باهم می‌خوانیم.

تعریف شعر کودک و نوجوان و تفاوت‌های آن با شعر بزرگ سالان

افراد بسیاری در تعریف ماهیت شعر سخن گفته‌اند، اما هیچ‌کس تاکنون نتوانسته تعریف جامعی از آن ارائه دهد. شعر تعریف‌ناپذیر است، تنها می‌توان اجزای تشکیل‌دهنده‌اش را تا اندازه‌ای مشخص کرد. ابزار کار شاعر، کلام است و شعر از ترکیب خاصی از کلام به وجود می‌آید و در این میان می‌توان عناصری چون احساس و عاطفه، تخیل، زبان شعر، موسیقی، شعر، شکل شعر و... را در یک شعر موفق جستجو کرد. در یک قطعه شعر، کاربرد این ابزار و عناصر و نحوه‌ی ترکیب و تناسبی که در عناصر تشکیل‌دهنده‌ی شعر ایجاد می‌شود. در قوت و ضعف آن بسیار مؤثر است. ابزار کار شاعر کودک نیز کلام است و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی شعر کودک همان عناصر شعر بزرگ سالان می‌تواند باشد. با این تفاوت که شعر کودک در عین شعر بودن، باید متناسب با سطح نیازها و امکانات کودکان باشد. به عبارتی روشن‌تر این‌که در شعر کودک، عناصری شعری به تناسب درک و دریافت کودکان در مقاطع مختلف سنی به کار می‌رود. از این‌رو همه این عناصر در شعر کودک از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. شعر کودک به لحاظ آن‌که مفاهیم آموزشی، تربیتی، رفتاری و... را از صافی خود می‌گذراند، از ویژگی‌هایی برخوردار است که در شعر بزرگ سالان مطرح نیست. به‌طور کلی در تعریف شعر کودک می‌توان گفت: «شعر کودک در درجه اول شعر است، به اعتبار ابزار شعر یعنی کلام و عناصر تشکیل‌دهنده آن، سپس متناسب با سطح نیازها و امکانات کودکان».

بنابراین قید متناسب بودن شعر کودک با سطح نیازها و امکاناتشان، آن را از شعر بزرگ سالان جدا می‌کند و در نتیجه تفاوت‌هایی را موجب می‌شود. عمده‌ترین تفاوت‌ها بین شعر کودک و شعر بزرگ سال از این قرار است:

الف) شاعر بزرگ سالان در لحظه‌های سرودن، مخاطب معینی را در نظر ندارد، بلکه در درجه اول می‌خواهد آن‌چه را که دلش می‌خواهد، بگوید. حال آن‌که شاعر کودکان از آن‌جایی که قشر معینی را در نظر دارد، ناگزیر است مقاطع مختلف سنی خردسالان، کودکان، نوجوانان، هم‌چنین نیازها، امکانات و حتی شرایط فرهنگی و اقلیمی آنان را در نظر بگیرد و مفاهیم خود را طوری بگوید که تأثیر‌سازنده و مثبتی در مخاطبان خود داشته باشد. البته این بدان معنی نیست که شاعر کودک به جای سرودن به شعر ساختن مشغول شود، بلکه کسی که شاعر کودکان است، در اثر کار این توانایی را پیدا می‌کند

که حرف‌های دل خود را از دنیای کودکان بگیرد و با زبان کودکان بیان کند. (ب) شاعر بزرگ سالان در قلمرو هر یک از عناصر شعری می‌تواند دست به خلاقیت بزند و حتی در بهره‌گیری از ابزار کار خود یعنی کلام، ترکیب‌های نو بیافریند، حال آن‌که شاعر کودکان ضمن توجه به نوآوری و خلاقیت نمی‌تواند دل به خواه خود از ترکیب‌های نو و تعبیرهای تازه استفاده کند. او ناگزیر به رعایت دایره‌ی واژگان هر دسته از مخاطبان خویش است و به همین نسبت از عناصر شعری هم به اندازه توان و تحمل مخاطبان بهره می‌گیرد. به عنوان مثال در شعر بزرگ سالان، روابط معنایی یا به اصطلاح آرایه‌های معنوی شعر خیلی با اهمیت است، در حالی که برای خردسالان نمی‌توان چندان به روابط معنایی کلام پرداخت و برعکس به روابط آرابی کلام، به خصوص موسیقی بیرونی، یعنی قافیه و ردیف و بازی‌های لفظی مثل قافیه بازی باید بیشتر اهمیت داد.

(ج) شعر بزرگ سالان عموماً آندوه‌بار و گاه بدبینانه است و در نهایت بی‌اعتباری جهان را مطرح می‌کند، حال آن‌که در شعر کودک به سبب آن‌که شاعر نقشی ارشاددهنده دارد و مخاطب هنوز آمادگی لازم را برای پذیرش این مفاهیم ندارد، باید به پیام‌های سازنده، فضاهاى شدى بخش و به حرکت درآورنده، مضمون‌های حماسی پرداخته و از سخنان نومیدکننده پرهیز کرد.

(د) شعر بزرگ سالان شعری است عمدتاً بزرگ سالانه و ادیبانه و جدی، و کمتر طنز و شوخی و معما و بازی در آن نهفته است. برعکس در شعر کودکان، بازی، مهمل‌پردازی و معماسازی جای ویژه‌ای دارد و از مختصات شعر کودک است.

اما وجه مشترک شعر بزرگ سالان و شعر کودکان را بیش از هر چیز باید در شاعرانگی و شعریت آن‌ها جست. شعر، شعر است، چه برای بزرگ سالان و چه برای کودکان. نباید چنین تصور شود که چون در شعر کودک هدف‌های آموزشی و تربیتی دنبال می‌شود، شعریت شعرها تحت الشعاع محتوای آموزشی و... قرار خواهد گرفت. این تصور باطل است. به اعتقاد نگارنده، در یک شعر خوب برای کودکان همه‌گونه مفاهیم آموزشی و تربیتی باید از صافی هنری بگذرد و در حقیقت جزو ذات شعر باشد و جنبه‌ی شعارگونگی به خود نگیرد. بنابراین میزان و کیفیت به کارگیری عناصر و ابزار شعر کودکان بارشد سنی آنان تناسب دارد.

به موازات رشد سنی کودک، میزان و گستردگی عناصر یاد شده در شعر افزایش می‌یابد تا آن‌که در مرحله‌ی نوجوانی می‌توان گفت شاعر، دیگر در بهره‌گیری از ابزار و عناصر یاد شده‌ی شعری، نباید خود را محدود کند. این موازنه از جهت محتوای آموزشی شعر نیز متناوب است. بسیاری از آموزش‌های رایج در شعر کودک، در سنین پایین‌تر عموماً به‌طور مستقیم و گاه در لفافه‌ی تمثیل ارائه می‌شود، اما در سنین بالاتر کم‌کم آموزش مستقیم جای خود را به آموزش‌های غیر مستقیم می‌دهد.

اصولاً جنبه‌های پرورشی از راه بهره‌گیری از زبان تصویری و توصیفی تقویت می‌شود و به همان میزان دایره‌ی استفاده از تعبیرها و تصویرهای شعری بازتر می‌شود. در نتیجه شعر از صورت‌های ساده و آغازین خود به سوی پیچیدگی گرایش می‌یابد. به عبارت دیگر شعر کودک از سطح به سوی عمق پیش‌روی می‌کند. با این وصف می‌توان گفت که ویژگی‌های شعر کودک در مقاطع مختلف سنی تغییر و تناوب پیدامی‌کند و شاعر کودک به مثابه‌ی یک مربی آگاه باید با دنیای کودک و مسائل مربوط به روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کودکان تا اندازه‌ای آشنا باشد که بتواند متناسب با نیازها و توانایی درک و دریافت مخاطبان، از ابزار و عناصر و شگردهای دیگر شعری، به اندازه استفاده کند...

ویژگی‌های برجسته‌ی شعر کودک و نوجوان

در کالبد شکافی و تجزیه و تحلیل شعر خوب کودک و نوجوان، می‌توان به اجزا و عناصری برخورد که نحوه‌ی ترکیب و تناسب این اجزا و عناصر در قوت و ضعف و فراز و فرود هنری آن دخالت دارند. برای آشنایی با شعر کودک باید یک‌یک این عناصر و عوامل شعری را از هم باز شناسیم و نقش آن‌ها را در آفرینش یک شعر معین کنیم. عناصر تشکیل دهنده‌ی شعر کودک و نوجوان به ترتیب اهمیتهای آن می‌تواند چنین باشد:

الف - گیرایی و دل نشینی

شعرهایی هست که با وجود کم و کاستیهایی که دارند، در اندک زمان و در زبان واقع می‌شوند. اما در این میان شعرهایی هم دیده و شنیده‌ایم که با وجود قوت‌های هنری که در آن نهفته است، مورد توجه کودکان واقع نشده است. علت چیست؟ چه علل و اسبابی گیرایی شعر کودک را موجب می‌شود؟ برخی برای هنر، از جمله هنر شاعری، دو قطب قائل شده و معتقدند: این که ما شعر خوبی بیافرینیم، تنها یک قطب کار شاعری است. قطب دیگر، خواننده‌ی شعر است که ما را وامی‌دارد تا شعر خود را چنان ارائه دهیم که راهی به دل او بگشاید و اگر در این کار موفق نباشیم، دلیل بر آن است که شعر ما به رغم قوت هنری خود چیزی را کم دارد.

اولین شرط دل نشینی شعر کودک، صمیمیت شاعر و یگانگی او با جهان در لحظه‌های سرودن است. تنها در این صورت است که احساس و عواطف او در کلام، جریان می‌گیرد و حوادث پیرامون بسته به میزان اهمیتی که دارد، احساس شاعر را برمی‌انگیزد. به طور مثال افتادن یک سیب از درخت و یا قطره اشک از چشم کودک، حسی در شاعر به وجود می‌آورد و آن‌گاه حس شاعر به مرحله‌ی عاطفه می‌رسد. یعنی واکنشی که ما بر اثر یک حادثه از خود بروز می‌دهیم، می‌تواند به صورت شخصی یا اجتماعی نمایان شود. خنده، گریه، خواب، بیداری، خشم و آرامش و... همه از علائم عاطفه و تأثیر وقایع بر ما است. شاعر، عواطف خود را که زمینه‌ی معنوی شعر است، به اعتبار برخورد یا حوادث پیرامونش آشکار می‌کند و در نتیجه سخن او که از دل برآمده است، لاجرم بر دل خواهد نشست و در زبان خوانندگان خاص خود خواهد شد. به طور کلی برخی از علل و اسباب گیرایی یک شعر کودک را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

۱- تناسب شعر با دنیای کودکان

تناسب شعر با دنیای کودکان - طوری که کودکان بتوانند شعر را درک کنند و با آن زندگی کنند. برای مثال:
از کوههای پر برف
باد بهار پا شد
بر اسب ابری زد
کالسه هوا شد^(۱)

۲- استفاده از پیوندهای آوایی کلام

استفاده از پیوندهای آوایی کلام و بازی‌های لفظی، مهمات، ریتم تند و رقص انگیز. برای مثال:
دخترک نام تو چیست؟
ژاله ام، ژاله پاک

خنده در چهره من ،
ژاله بر لاله پاک .^(۲)

۳- کاربرد طنز خاص کودکان

به کارگیری زبان طنز و ایجاد فضای نشاط انگیز با توجه به مسائل خاصی که در دنیای کودکان وجود دارد.
برای مثال :

ای زنبور طلایی
نیش می زنی ، بلایی^(۳)

۴- بهره گیری از عناصر فرهنگ عامه

بهره گیری از عناصر فرهنگ عامیانه ، مثل ها ، چیستان ها ، ضرب المثل ها ، بازی ها ، نمایش ها و ... برای مثال :

□ بریده ای از یک شعر عامیانه

آهای آهای

خبر بیار خبر ببر

صد تا سوار خوش خبر

شمشیر نقره بر کمر

کلاه صورتی به سر

به شهر ما رسیده اند

آهای آهای

خبر بیار خبر ببر

شکوفه ها هزار هزار

بنفشه ها قطار قطار

به شوق دیدن بهار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از شاخه سر کشیده اند...^(۴) پرتال جامع علوم انسانی

□ چیستان

کیم ، چیم ، قشنگم

سرخ و سفید ، دورنگم

به روی شاخه بندم

تاب می خورم می خندم

کوچکتر از آلویم

شبیهِ آلبالویم

با پوست و گوشت نرمم

میوه فصل گرمم

نیش ندارم نوشم کن

گوشواره گوشم کن^(۵)

البته باید توجه داشت که گیرایی شرط کافی برای شعر خوب نیست. استفاده از موارد فوق باید هنرمندانه باشد، وگرنه هستند شعرهای مبتذلی که به واسطه آن که از برخی از این ویژگی‌ها برخوردارند، توسط کودکان و حتی اولیای بچه‌ها پذیرفته می‌شوند. گیرایی، یکی از ویژگی‌های شعر خوب کودک است. جنبه‌های دیگر شعر مثل کاربرد عناصر شعری از نوع خیال، زبان، شکل و موسیقی، هم چنین اندیشه‌ی شاعر، محتوای آموزشی و تربیتی آن، همه و همه در شعر کودک مورد نظر است.

ب- خیال‌انگیزی یا پیوندهای معنایی در کلام

خیال‌انگیزی در شعر، نوعی پل زدن بین چیزهاست. به عبارتی تخیل کوششی است که ذهن هنرمند و شاعر را برای کشف روابط پنهان اشیا و امور برمی‌انگیزد و حاصل این فعالیت ذهنی در عرصه‌ی کلام، صور خیال^(۶) نامیده می‌شود.

هنرمند با تخیل هنری خویش برخی از خواص اشیا را حذف می‌کند و خواصی از خود بر آن می‌افزاید و با این کار جهان تخیلی خود را بازآفرینی می‌کند. عوامل متعددی تخیل را در شعر موجب می‌شود که از آن‌ها با عناوین صنایع معنوی و لفظی و یا آرایه‌های شعری یاد می‌شود. عمده‌ترین این عوامل در شعر کودک عبارت است از: تشبیه، تشخیص و انواع استعاره و تمثیل - ایهام و اغراق.

۱- تشبیه

تشبیه که همانندسازی دو یا چند چیز است، در شعر کودکان بیشترین کاربرد را دارد. تشبیه عمدتاً از دوسوی حسی تشکیل می‌شود، بدین معنی که دو چیز قابل حس را به هم مانند می‌کنیم. این نوع را تشبیه حسی به حسی می‌نامند. مثل تشبیه کردن درخت به انسان یا چهره به ماه، که این نوع تشبیه بیشتر برای خردسالان مناسب است. برای گره‌های سنی بالاتر می‌توان از تشبیه‌های حسی به عقلی مثل تشبیه درخت به دوستی، یا عقلی به حسی مثل تشبیه مرگ به تاریکی، و حتی عقلی به عقلی مثل تشبیه کینه به مرگ بهره گرفت.

۲- استعاره

عامل دیگر در تخیل شعر کودک، استعاره، به معنی طلب عاریه کردن است. بدین نحو که شاعر واژه‌ای را به جای واژه‌ی دیگر می‌آورد که بین این دو واژه نشانه‌هایی از شباهت وجود دارد. واژه‌ی جانشین نقش واژه‌ی پیشین را با زبانی مه‌آلوده و وهم‌آمیز بازی می‌کند. در واقع استعاره، صورت کامل شده‌ی تشبیه است.

در باغ شب شکفتی

ای غنچه طلایی

کردی اتاق را پر

از عطر و روشنایی^(۷)

در عین حال استعاره خود نوعی از مجاز محسوب می‌شود و این همه، انواع و اقسامی دارد که در کتب بدیع و بیان مفصلاً شرح داده شده است. اما نوعی از استعاره که در شعر کودک کاربرد بسیار زیادی دارد، اصطلاحاً «تشخیص» نامیده می‌شود.

تشخیص یعنی شخصیت انسانی بخشیدن به گیاهان و اشیا و امور بی جان. برای مثال وقتی ما، در شعر

از درختی حرف می‌زنیم که خورشید را در بغل گرفته و یا درختی که لباس سبز بر تن کرده است، به آن درخت صفات انسانی داده‌ایم و این نوع عامل تخیل، بیش‌تر از همه در شعر کودکان مخصوصاً شعر خردسالان می‌تواند کاربرد داشته باشد:

زمستان شاخه‌ها را

به رنگ موی خود کرد

برای ناودانها

کمی شمش یخ آورد

به هر جا جای پا دید

از آنجا عکس برداشت

کلاغ پر سیاهی

به روی کاج من کاشت^(۸)

شاعر به جانوران غیرانسان مثلاً خرگوش و شیر و موش و... نقش انسانی می‌دهد. به طوری که با حفظ شرایط زیستی خود کارهایی انجام می‌دهند که در اجتماع بشری مصداق دارد. عموماً از عامل تمثیل، یعنی مثال زدن بهره می‌گیرد. این نوع صنعت بیش‌تر در حکایت‌های منظوم و شعرهای روایتی دیده می‌شود.

۳- ایهام

از دیگر عوامل تخیل در شعر، ایهام، یعنی به کار بردن کلمه‌ها در دو معنای دور و نزدیک است که قصد شاعر معنای دور کلمه باشد و به اصطلاح ایجاد تداعی معانی است که باعث می‌شود شعر، ژرف‌پیدا کند، که قطعاً درک و دریافت این نوع شعر مخصوصاً برای خردسالان به آسانی مسکن نخواهد بود. مثلاً در بند زیر کلمات «برگ» در دو معنی:

۱- برگ، ۲- توشه و «بار» نیز در دو معنی: ۱- میوه، ۲- آنچه حمل می‌شود، آمده است:

نه برگ دارم

نه بار دارم

به کار دنیا

چه کار دارم

اما از عوامل آغازین تخیل در شعر باید به اغراق و مبالغه و غلو اشاره کرد که عبارت است از همان بزرگ‌نشان‌دادن یک چیز خرد و برعکس آن خرد نشان دادن یک چیز بزرگ:

آب، از چشمه من

کم کم آمد بالا

چشمه کوچک شد

تکه‌ای از دریا^(۹)

قدما این خاصیت را از ویژگی‌های عمده‌ی شعر می‌دانستند. مبالغه می‌تواند هم در شعر کودک و هم در گونه‌های دیگر آن باشد. اما این طور نیست که بگوییم شعر هر چه دروغ‌آمیزتر باشد، زیباتر است. چنان‌که گفته‌اند: «احسن الشعر اکذبه». در بیت زیر از شاهنامه‌ی فردوسی این عامل به خوبی به کار رفته، اما نمی‌توان گفت فردوسی دروغ پرداز است، بلکه برعکس شعر در ذات خود، عواطف و احساس درونی

شاعر را به چیزهایی می آراید و آن هر رازیبا یا زشت ، بد یا خوب ، بزرگ یا کوچک می نماید . چنان که در شاهنامه می خوانیم :

ز سُم ستوران در آن پهن دشت

زمین گشت شش ، آسمان گشت هشت !

یعنی بر اثر گرد و خاک اسبان در میدان جنگ ، یک طبقه از زمین به هوارفت و آسمان که هفت طبقه داشت ، هشت طبقه ای شد !

یا :

شود کوه آهن چو دریای آب

اگر بشنود نام افراسیاب

یعنی کوهی از آهن سخت با شنیدن نام افراسیاب از ترس آب می شود !

در مجموع می توان گفت ، صور خیال که حاصل تلاش هنرمندانه‌ی شاعر در یافتن پیوندهای پنهان است ، همه گونه پیوندهای معنایی شعر را در بر می گیرد . البته گفتنی است که در یک شعر ، عناصر گوناگون شعری کارکردی مجزا از یکدیگر نداشته ، بلکه تاثیر و تأثر متقابل دارند . به همین لحاظ باید گفت که پیوندهای آوایی شعر نیز در خیال انگیزی آن دخالت غیر مستقیم دارد . برای مثال وزن که به موسیقی شعر مربوط می شود ، در عبور از ذهن شاعر به طور ناخود آگاه صور خیال او را متأثر می کند . به همین سبب گروهی وزن شعر را یکی از عوامل تخیل در شعر دانسته اند .

ج- زبان در شعر کودک

زبان یکی از عمده ترین عناصر شعری است که گستره‌ی وسیعی برای خلاقیت شاعر دارد و اهمیت آن تا جایی است که برخی در تعریف شعر ، آن را حادثه‌ای در زبان می دانند و یا گره خوردگی عاطفه در زبان قلم داد می کنند . دیگر نشانه‌ی اهمیت زبان در شعر ، همان بس که در ترجمه‌ی شعر زیباترین آثار وقتی از زبان اصلی خود جدا شود ، به سطحی ترین وجهی خود را می نماید . اما زبان شعر به دو معنا و در دو حوزه طرح می شود :

۱- زبان به عنوان ابزار کار شاعر

زبان به عنوان ابزار کار شاعر عبارت است از نظام زبانی و صورت های کلامی آن . شاعر با به کارگیری کلمات در معنی جدید ، ساختن ترکیب های تازه و مناسب و نیز با احاطه بر دستور زبان و قانون مندی های حاکم بر زبان مورد استفاده‌ی خود ، می تواند نوآوری کند .

زبان به عنوان ابزار کار شاعر وسیله‌ای است که شاعر چون موم ، آن را معماری می کند و با بالا بردن بسامد بعضی کلمات و توجه به لحن حالت های موسیقایی زبان ، نیز با رعایت یا عدم رعایت صورت های سالم کلمات و چگونگی استفاده از صفت و موصوف و ... می تواند به کار خود ویژگی سبکی بدهد . البته آن چه در این جا گفتنی است ، این است که در شعر کودک ، تخفیف کلمات خوب نیست . مثلاً به جای اگر (ار) و به جای از (ز) و یا به جای بود (بد) و ... نشانه‌ی سهل انگاری در شعر کودک است . هم چنین شاعر باید به واژگان پایه‌ی کودک توجه کند و از آوردن کلمات فرسوده و مهجور پرهیز کند ، در عین حال نباید خود را در بست در تنگنا قرار دهد . گاه لازم است برخی از عبارات ها و ترکیب های نا آشنا وارد واژگان

پایه ی کودک شود و آن را گسترش دهد.

در زبان ، ما با چند نوع واژگان سروکار داریم :

- واژگان گفتاری ؛ یعنی آن چه در سخن گفتن به کار می بریم .

- واژگان شنیداری ؛ یعنی آن چه می شنویم ، اما ممکن است آن ها را به کار نبریم .

- واژگان خواننداری ؛ یعنی آن چه در کتاب ها و متون می خوانیم ، ولی خید ممکن است آن ها را استفاده نکنیم .

- واژگان نوشتاری ؛ یعنی آن چه در نوشته ی خود به کار می گیریم .

از مجموعه این واژگان می توان دو نوع کلی را مشخص کرد :

الف - واژگان در کار ؛ یعنی کلماتی که هنوز قابل استفاده است و کاربرد دارد .

ب - واژگان بی کار ؛ یعنی کلماتی که دیگر متروک شده و نیاز به استفاده از آنها نیست .^(۱)

شاعر کودک باید از واژگان در کار ، که امروزه کاربرد دارد ، استفاده کند و نه از واژگان بی کار هم چون

اندر ، داروغه ، فرشباشی و غیره . از این روی درباره ی واژگان گفتاری می توان قضاوت کرد و گفت

که کاربرد زبان گفتاری در برخی از شعرهای کودکان مخصوصاً برای خردسالان که با زبان مادری خود

سروکار دارند ، نه تنها اشکالی ندارد ، بلکه سرودنشان ضرورت هم دارد . کما این که بیشترین شعرهایی

که تاکنون برای خردسالان شناخته شده و در مهدها و کودکانستان ها وارد زبان بچه هاست ، قطعاتی است

با رنگ و بوی شعرهای عامیانه که غالباً به زبان گفتاری بوده است :

گل همه رنگش خوبه

بچه زرنگش خوبه

□

توی کتاب نوشته

تبلی کار زشته

□

تبلی همیشه جوابه

جاش توی رختخوابه

□

وقتی خروس می خونه

بچه خوب ، می دونه

□

باید بلن شه از خواب

بخنده مثل آفتاب

□

مثل گلا و ابشه

تمیز و زیبا بشه

البته زبان گفتاری به لحاظ محدودیت های اقلیمی و قومی و فراگیر نبودن آن ، مشکلاتی را موجب می شود .

برای رفع این نارسایی بهتر است در اواخر کودکی ، از کاربرد کلمات گفتاری کاسته و به همان میزان

به استفاده از کلمات نوشتاری و تلفظ دقیق واژگان بیفزاییم تا به این وسیله کودکان را برای آشنایی



با خواندن و نوشتن آمادگی دهیم .

۲- زبان جادویی شعر

زبان جادوی شعر، زبانی خاص در هنر شاعری است و شاعر جز با این زبان نمی تواند با دل خوانندگان و شنوندگان خود رابطه برقرار کند. از این روی بازبان هنرهای دیگر نظیر نقاشی، معماری و حتی موسیقی تفاوت دارد. شاعر هنگامی که با هیچ زبانی نتواند حرف دلش را بیان کند، به زبان شعر، یعنی زبان جادویی کلام خود پناه می برد. زبان شعر به ایجاز و تصویر آمیخته است و گاه به صورت روایی، تصویری و نمادی به کار می رود و به ناگزیر با ایما و اشاره حرف می زند.

برای مثال وقتی شاعر بگوید:

یک آسمان، آبی شدم

لبریز آزادی شدم

از زبان جادویی شعر بهره گرفته است. در این دو عبارت وقتی آدم به هیأت پرنده ای در گستره ی آسمان رها شده باشد و عظمت یافته باشد، می تواند بگوید یک آسمان آبی شدم و به تبع آن وقتی آن چنان احساس آزادی و رهایی در این گستره کند، می تواند خود را به ظرفی شکر تشبیه کند که از آزادی لبریز شده باشد. این طور احساس کردن و این طور حرف زدن، یعنی با ایجاز و اغراق سخن گفتن تنها بازبان جادویی شعر ممکن می شود.

د- موسیقی شعر کودک

اگر موسیقی را از شعر بزرگ سالان بگیریم، شاید کسانی باشند که آن را به عنوان شعر بپذیرند، اما کودکان شعر را بدون موسیقی مخصوصاً موسیقی بیرونی و کناری یعنی وزن و قافیه و دیگر پیوندهای آوایی کلام، نخواهند پذیرفت.

موسیقی در شعر کودک به دو گونه می تواند مطرح باشد که به اختصار به این دو اشاره می کنیم:

۱- موسیقی بیرونی

«موسیقی بیرون» همان وزن شعر است که در زبان فارسی به دو گونه ی وزن عروضی و وزن هجایی مطرح است. هر چه گروه های سنی مخاطبان شعر را پایین بگیریم، نیاز آنان به موسیقی بیرونی و کناری شعر بیش تر می شود. نظیر آن چه در مهمل سرایی و بدیهه گرایی برای کودکان می بینیم.

۲- موسیقی کناری

پیوندهای آوایی و همه گونه مشابهت های لفظی را می توان در زمره ی موسیقی کناری آورد. قافیه که قدما آن را علم مستقلی می دانند، در حوزه ی موسیقی کناری، قابل بررسی است. اگر وزن عروضی به اصطلاح میزان و ترازوی سنجیدن کلام منظوم است، به اعتبار نظم و صوت و زمان، قافیه یا برآهنگ می تواند کامل کننده ی آهنگ یا جمله یا یک مصلب باشد. در شعر سنتی پایان مصراع ها با قافیه آراسته می شد. اما در شعر امروز با پیدایش شعر نیمایی و شعر ترانه ای برای کودکان، قافیه به صورت یک امر ذوقی مطرح شده و برای پایان یک مطلب در شعر به کار می رود. با این حال در شعرهایی که از قالب های سنتی استفاده شود، کماکان قافیه را باید به شیوه ی قدما، یعنی در آخر مصراع ها و ابیات آورد.

شکل و قالب در شعر کودک

۱- قالب‌های سنتی

شعر کودک به اعتبار شکل و قالب، انواعی دارد که برخی از این قالب‌ها از نوع سنتی شعر فارسی است، مانند: مثنوی، ترجیع‌بند، مستزاد، مسمط، غزل و... که پیش‌تر نمونه‌هایی از این قالب‌ها را ملاحظه کردیم.

۲- قالب‌های تازه در شعر کودک

علاوه بر قالب‌های سنتی شعر فارسی، قالب‌های چهارپاره، نیمایی، ترانه‌ای و ترکیبی قصه‌ی منظوم و منظومه در شعر کودک رواج دارد و اگر از قالب مثنوی بگذریم، بیشترین سرودها برای بچه‌ها در همین قالب‌های تازه ارائه شده است.

بررسی ساختاری یک شعر کودک

صرف نظر از شعر خردسالان که ماهیتاً به سرگرمی گرایش دارد، می‌توان گفت که شعر کودک و نوجوان به معماری کلام و ساخت و سامان هنری دقیقی نیازمند است. در شعر کودک امروز به ویژه در میان سرودهایی که در دهه‌ی اخیر دیده می‌شود، نمونه‌های زیبایی می‌توان یافت که ساختار شعر در آن‌ها به گونه‌ای وجود دارد. از این میان به بررسی ساختاری شعر کوتاه آدمک برفی از پروین دولت‌آبادی می‌پردازیم که به لحاظ قدمت زمانی نیز قابل توجه است:

«آدمک برفی»

برف می‌بارد

بر شاخه کاج

برگ آن کهنه درخت

می‌شود سوزن عاج

□

برف می‌بارد

بر بام بلند

می‌زند نقره برف

بر سپیدی لبخند

□

کوچه پر می‌شود از خنده ما

بچه‌ها می‌سازند آدمک برفی را

□

کودک آهسته کند

شانل پشمی به برش

می‌گذارد دگری

شب کلاهی به سرش

□

شب برفی ، شب یخبندان است
آدمک برفی در کوچه ما مهمان است
کاش سرما نخورد... (۱۱)

چنان که ملاحظه شد، شعر آدمک برفی شعری است در قالب نیمایی با وزن عروضی بحر رملِ مجنون. اما از نظر ساختار و تکوین شعری باید گفت که این شعر با تصویری ساده از طبیعت آغاز می شود:

برف می بارد بر شاخه کاج

و چرا شاخه کاج؟ زیرا کاج به لحاظ انبوه برگ هایش، تصویر برف را بهتر نمایش می دهد و از این ره گذر طبیعی است که شاعر، در چشم انداز خود بیش از همه چیز دیگر، کاج را انتخاب می کند.

اکنون کاج باید حلقه ی تخیل شاعر را گسترش دهد، یعنی از کاج باید به چیزهای تازه رسید. کاج ضمن یاری رساندن به برآمدن تصویر ساده و کودکانه ی شعر، باید حامل اندیشه و تخیل شاعر باشد. کاج به لحاظ امکانات خود به گسترش شعر می پردازد، پس به پیری ب گیسوان سفید شباهت پیدا می کند که گویی به جای برگ، سوزن هایی به سپیدی عاج دارد:

برگ آن کهنه درخت

می شود سوزن عاج

کاج به اعتبار بلندی خود نیز محمل و محور اندیشه و تخیل شاعر واقع می شود. در امتداد این حلقه ی تخیلی، بام بلند نیز نزدیک ترین و مناسب ترین عامل برای احساس و اندیشه تعمیم و گسترش تخیل شاعر از جامعه ی طبیعت به جامعه ی انسانی است و هویت دادن به اسطوره ای که در بند اول شعر از طریق کاج طرح شده است.

تصویرهای بام و کاج با همه ی امکانات خود به اتفاق، منظره ای و در واقع دنیایی را به وجود آورده اند که در آن بازی و فعالیت جمعی کودکان در ساختن آدمک برفی، همه چیز را تحت الشعاع خود قرار داده است. در این اثنا آدمک برفی ساخته می شود و با دست های کودکان زندگی می گیرد. با ساخته شدن آدمک برفی، پیوند انسان و طبیعت در ساده ترین شکل خود قوام می گیرد و دوستی در هاله ی اسطوره ای دیگر در کنار اسطوره ی پیشین، شعر را به پایانه ی مطلوب شعر می کشاند:

شب برفی شب یخبندان است

آدمک برفی در کوچه ما مهمان است

از کاش سرما نخورد

بنابراین یک شعر خوب برای کودکان، غیر از شکل ظاهری، باید از شکل ذهنی یا فرم طبیعی نیز بهره مند باشد. چیزی که امروزه اهمیت زیادی دارد. در این نوع ساختمان شعری دیگر وزن و قافیه، طول مصراع ها و بلند و کوتاهی شعر نیست نه شاعر را به مقصد برساند، بلکه هر کلمه با کلمه های دیگر و هر عبارت با عبارت های دیگر. به همین ترتیب هر جزء شعر با اجزا دیگر و در نهایت هر تصویر و هر فضا با تصاویر و فضاهای دیگر باید رابطه ای پویا برقرار کند و در نتیجه ی این روابط، شعر به دریایی پر موج و حرکت مانند می شود که هر کس به تناسب امکان و استعداد و توان خود می تواند از آن بهره مند شود، بی آن که آب این دریا بخشد و یا از عظمت آن کاسته شود. تنها در این صورت است که شعر کودک می تواند به عنوان یک هنر ماندگار جای گاه راستین خود را در کنار هنرهای دیگر بیابد.

تاریخ‌چه‌ی شعر کودک و نوجوان در ایران

ادبیات کودک و از جمله شعر کودک، از دیرباز به گونه‌ای در میان ملل و اقوام گوناگون وجود داشته است. برخلاف آن‌چه گفته می‌شود، کودکان در هیچ زمانی بدون ادبیات و شعر نزیسته‌اند. البته کیفیت ادبیات و شعر کودک در همه ادوار یکسان نبوده است. در ادبیات عامیانه همواره بخش قابل توجهی از آثار، متعلق به کودکان و برای آنان بوده است. قسمی از این افسانه‌ها و سرودهای کوتاه و بلند را بزرگ‌ترها برای بچه‌ها تولید کرده‌اند و بخشی را خود کودکان در جریان بازی‌های جمعی ساخته‌اند. در ادبیات مکتوب و رسمی نیز کودکان را از نظر دور نداشته‌اند، اما تلقی قدما از کودک که او را موجودی ضعیف و ناکامل می‌دانستند، ایجاب می‌کرد تا آثاری که فراهم می‌آید، بیشتر حاوی پند و اندرز برای تنبیه و تربیت او باشد. با توجه به این موضوع است که محمود کیانوش در کتاب شعر کودک در ایران اشاره می‌کند: «شعرهایی داشتیم که کودکان، می‌توانستند آن‌ها را بخوانند و بفهمند، اما شعر کودک نداشتیم». و یادآوری می‌کند که «بالاترین ملاک در شعر [برای کودکان و نوجوانان]، اخلاق و تربیت بوده، پس از آن وزن و قافیه». این برداشت درباره‌ی شعر رسمی و مکتوب صادق است، اما در گذشته‌های دورتر، ادبیات و شعر حماسی-دینی و عرفانی و اخلاقی در ایران همواره رنگ و آهنگی مردمی داشته، با ادبیات عامیانه خویشاوند بوده و از آن تغذیه می‌کرده است. بنابراین می‌توان تصور کرد که در این میان آثاری هم مناسب احوان کودک و نوجوان فراهم می‌شده است که از تسلط اخلاقی طبقه‌ی نخبگان خارج بوده است. اما به هر حال این ایراد بر ادبیات فارسی ایران، بلکه به تمام ادبیات رسمی ملل وارد است که در آن چنان‌که باید به کودکان پرداخته‌اند و آن‌چه هم از آثار رسمی شعر و ادب گذشته به کودکان مربوط می‌شود، در بیشتر موارد با ذهن و زبانی بزرگ سالانه و آموزگارانه، آنان را مخاطب قرار داده‌اند. به طور کلی می‌توان تاریخچه‌ی شعر کودک در ایران را در سه مقطع زمانی، پیش از انقلاب مشروطه، پس از انقلاب مشروطه و پس از انقلاب اسلامی مشخص کرد.

الف- شعر کودک در سالیان پیش از انقلاب مشروطه

در این دوره غیر از ترانه‌های عامیانه، شعری که اختصاصاً برای کودکان و نوجوانان فراهم آمده باشد، وجود نداشته، مگر مواردی که در آن به گونه‌ای درباره‌ی کودکان و یا خطاب به کودکان سخن رفته است. در این موارد هم شاعر و ادیب با همان ذهن و زبان بزرگ سالان سخنوری کرده و توجهی به توان درک و دریافت نیازهای کودکان و نوجوانان نداشته است، نظیر آن‌چه که در حکایت‌های منظوم در بوستان سعدی، مثنوی مولوی و مثنوی‌های نظامی گنجوی و... آمده است. در این جا نمونه‌ای می‌آوریم از مثنوی مخزن الاسرار نظامی که خطاب به فرزند چهارده ساله‌ی خود گفته است:

ای چارده ساله قره‌العین

بالغ نظر علوم کونین

آن روز که هفت ساله بودی

چون گل به چمن حوانه بودی

و اکنون که به چارده رسیدی

چون سرو بر اوج سرکشیدی

غافل منشین نه وقت بازی ست

وقت هنر است و سرفرازی ست
دانش طلب و بزرگی آموز
تا به نگرند روزت از روز..

ب- شعر کودک از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی

در سال‌های پس از مشروطه بر اثر تحولاتی که در شیوه‌ی زندگی مردم به وجود آمد، هم با تأثیر از آن چه که در فرهنگ پیرامون کودک و ادبیات خاص کودکان روی داده بود، کم‌کم شاعران و اندیشمندان بر آن شدند که با نگاهی تازه به این قشر از جامعه توجه کنند. در نتیجه آثاری مخصوص برای کودکان پدید آمد. نخست ترجمه‌ها و گرده برداری‌هایی از شعر فرنگ رایج شد، سپس شاعرانی به انگیزه‌ی سرودن برای بچه‌ها تجربه‌هایی کردند که از این میان می‌توان به شعرهایی چون «شعر مادر» از ایرج میرزا، «سرود مدرسه» و «کیوترها» از ملک الشعرای بهار، «صبح» از یحیی دولت‌آبادی و برخی از حکایت‌های عوامانه و مناظره‌ای از پروین اعتصامی اشاره کرد. در این دوره دو جنگ ادبی مخصوص کودکان نیز دیده می‌شود. جنگ نخست «سه فندق خواندنی برای کودکان» نام دارد که حاوی نظم و نثر کودکانه از مهدی قلی‌خان هدایت است. در این جنگ علاوه بر آثار هدایت، دو شعر از یحیی دولت‌آبادی و ایرج میرزا آمده است. جنگ بعدی، برگردان منظومی از فابل‌های «لافتن» است که توسط شخصی به نام «روشن» در سال ۱۹۱۲ یعنی نزدیک به ۸۰ سال پیش انتشار یافت.^(۱۲) از جمله دیگر آثار، آن‌هایی است که نیما یوشیج برای کودکان ساخته است، از جمله شعر «بچه‌ها بهار» که سادگی زبان و بیان، بهره‌گیری از شکلی تازه و کودکانه، وزن و آهنگ شاد و ریتمیک، مصراع‌ها و جمله‌های کوتاه و محتوای مناسب در پیوند با عناصر کودکانه‌ی شعر، در آن چشم‌گیر است.

شاعرانی که به‌طور رسمی برای کودکان سروده‌اند: جبار باغچه‌بان یکی دیگر از کوشندگان و آغازگران شعر کودک در ایران است. در سروده‌های باغچه‌بان آن چه بیشتر نمایان است، کودکانگی شعرها و تناسب آن‌ها با دنیای کودک است. سادگی زبان و نزدیکی شعرها به ترانه‌های عامیانه همراه با طنزی کودکانه و نشاط‌برانگیز، به آثار باغچه‌بان ویژگی خاصی بخشیده است. طوری که می‌شود او را نخستین سراینده‌ی شعر کودک به شیوه‌ی امروزی به‌شمار آورد:

«جوجه»

من جوجه را گرفتم

اورا بوسیدم، گفتم:

«جوجه، جوجه طلایی»

نوکت سرخ و حنایی

تخم خود را شکستی

چگونه بیرون جستی؟

گفتا: «جایم تنگ بود»

دیوارش از سنگ بود

نه پنجره، نه در داشت

نه کس ز من خبر داشت

تخم خود را شکستم
زود به بیرون جستم (۱۳)

پس از باغچه بان، شاعرانی چون عباس یمینی شریف، محمود کیانوش و بروین دولت آبادی هر سه با جدیت به شعر کودک پرداختند. به خصوص کیانوش را به اعتبار آثار متنوع و موفق که برای کودکان ارائه داده و هم به سبب نقد و نظرهاش پیرامون شعر کودک در ایران، می توان سرآمد همه ی کسانی به شمار آورد که تاکنون برای کودکان ایرانی شعر گفته اند.

□ عباس یمینی شریف، که بارها اندازی نشریات خاص کودکان و نوشتن داستان ها و منظومه های فراوان برای آنان با علاقه در این پهنه می کوشید، در شعر مخصوصاً در شعرهایی که برای خردسالان می سرود، موفق تر بود. در شعرهای کودکانی او بازی های لفظی، نوعی طنز نشاط آور، بیش تر از همه ی آموزش های گوناگون، مربوط به واحدهای آموزش پیش دبستانی دیده می شود که با زبانی ساده و کودکانه بیان شده است. با این وجود او در شعرهایش بیشتر آموزگار- شاعر بود و این البته از طرز تلقی وی نسبت به شعر کودک ناشی می شد که برداشتی تقریباً سنتی و کهنه از کودک و شعر بود. در شعرهای یمینی شریف، مضامین آموزشی و اخلاقی عموماً به روش مستقیم بیان می شد و شعریت شعرها را تحت الشعاع وجه آموزشی و تربیتی قرار می دهد:

تخمه شکستن همه جا
بد است و زشت و بدنما

اما او زمانی به شعر کودک پرداخته که به قول خودش جز چند ترانه ی کوتاه از باغچه بان چیزی پیش رو نداشته است. یمینی شریف به واسطه ی ارتباط مستقیم با کودکان، با دنیای آنان بیگانه نبوده. محتوای تربیتی شعرهای او عموماً از پیام هایی چون همکاری، دوستی، کوشش، و... بهره مند است. از شعرهای ماندنی یمینی شریف که به هر حال در زمره ی بهترین های شعر کودک در ایران است، می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

فرزندان ایران با آغاز:

ما گلهای خندانیم

فرزندان ایرانیم

کتاب:

من یار مهربانم

دانا و خوش بیانم

درخت کاری:

به دست خود درختی می نشانم

به پایش جوی آبی می کشانم

چشمک بزن ستاره:

شد ابر پاره پاره

چشمک بزن ستاره

کشتی:

من یک کشتی می سازم

در آبش می اندازم

و شعرهایی دیگر از جمله شعر خروس جنگی که به لحاظ ریتم شاد و محتوای زیبا و کودکانه قالب ترجیح وار مناسبی که دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (۱۴)

□ محمود کیانوش؛ با انتشار مجلات پیک که از طرف آموزش و پرورش و با همکاری انتشارات فرانکلین منتشر می شد، سرودن شعر کودک را آغاز کرد. شعرهای او در مجلات پیک چاپ می شد که بعدها در مجموعه های: زبان چیزها، طوطی سبز هندی، نوک طلای نقره بال، باغ ستاره ها، بچه های جهان، طاق هفت رنگ و آفتاب خانه ما گرد آمد. کیانوش هم به اعتبار نقد و نظرهایش درباره ی شعر کودک، هم به واسطه ی اشعاری که برای کودکان سروده است، برترین جای گاه را در شعر کودک ایران دارد. شعر کودک در ایران با نام کیانوش گره خورده است.

در شعر او با شعری سروکار داریم آگاه به چند و چون شعر و آشنا با دنیای کودکان. از مشخصات برجسته ی شعر کیانوش در وهله ی اول، تأکید و توجه شاعر به شعریت شعر کودک و در نتیجه آوردن توصیف ها و تصویرهای شاعرانه است که در عین شاعرانگی، به دنیای کودکان نیز تعلق دارد:

از کوهنای پر برف

باد بهار پا شد

بر اسب ابرهی زد

کالسکه هوا شد

یا:

این ماه پایین

غمگین و خسته

بشقاب نقره

اما شکسته ...

یا:

بر شاخه ها شکوفه

روشن تر از ستاره

آویخته چه زیبا

مانند گوشواره

کیانوش با برخوردی خلاق، شکل شعر نیمایی (۱۵) را به روش های گوناگون در شعر کودک وارد کرد. او گاه مصراع های بلند و کوتاه را تابع نظم قرار داده و گاه این نظم را نادیده گرفته است. گاهی وزن های مرکب را به کار برده و گاه با بهره گیری از صداهای طبیعت (افکت) و یا با تضمین (۱۶) ترانه های عامیانه یا اشعار قدما، توجه به عناصر فرهنگ بومی، اشاره به اوضاع تاریخی، جغرافیایی، پرداختن به اسطوره های ملی و در مواردی استفاده مناسب از مجاوبه که در شعر قدیم به صورت گفتیم و گفتار ایچ بود و مناظره که در شعر گذشته از جمله در فابل های پروین اعتصامی در شعرهایی چون گفت و گوی نخ و سوزن و سیر و پیاز و ... اتفاق افتاده، به شعر کودک تنوع و تعالی بخشید.

در کاربرد موسیقی و در نتیجه روابط آوایی شعر، علاوه بر صنعت ادبی تکریر یعنی تکرار کردن عبارات و کلمات و اصوات در شعر، گاهی نیز از روش به اصطلاح قافیه بازی که از بازی های متداول کودکان است، بهره می گیرد:



- بگو آب

- آب

- بنشین به قایق خواب ...

استفاده مناسب از وزن های شاد و ریتمیک با پایه های کوتاه ، همراه با توجه به ظرافت های گوناگون شعری ، آثار او را تازگی و کودکانگی بخشیده است :

یک گل ، ده گل ، صدها گل

اینجا ، آنجا ، هر جا گل ...

کاربرد موسیقی در شعر با بهره گیری از عناصر بازی های کودکانه که قاعدتاً شعر را به سمت مهمل سرایی و سرگرمی می کشاند ، در شعر کیانوش با تصاویر شعری همراه می شود و به آن رنگی شاعرانه می بخشد:

دست ، دست ، دست

دسته ی ابر سفید

بر سر گلنهای باغ

چادر باران کشید ...

اما بارزترین مشخصه ی شعر کیانوش ، نوعی فرزانیگی است که در پس پشت حرف های شاعر پنهان شده و نگران حال و آینده ی خوانندگان خود یعنی کودکان است و می کوشد آنان را به سوی آینده ای روشن راهبری کند.

□ پروین دولت آبادی ؛ نخستین زن شاعری است که جداً به سرودن شعر برای کودکان پرداخته و یابه پای کیانوش سالیان دراز صفحه های شعر مجلات پیک را با شعر خود زینت بخشیده است .

همان زیبایی ها که در شعرهای یمینی شریف و مخصوصاً کیانوش دیده می شود ، در اشعار پروین دولت آبادی نیز به گونه ای وجود دارد . سادگی و شاعرانگی محتوای اجتماعی شعرهای پروین است و ریخت و رنگ های تازه ای که در شعرهایش دیده می شود ، او را به عنوان یکی از کوشندگان و راه گشایان شعر نوین کودک در ایران شناسانده است . نقش مادرانه ی او در شعرهای کودکان از وجوه ممتاز و خاص شعر کودک در ایران است :

«تو بلوری»

تو بلوری

نوری

گل نازی

گل نار

مرغک خوش آواز

تا

خنده کن کودک من

بنشین

مثل پروانه شاد

بر گل دامن من

کودکم

از تو جانم به تن است
جایت آغوش من است

ج- شعر کودک از آغاز انقلاب اسلامی تا امروز

در جریان انقلاب اسلامی، مضمون‌های میهنی، انقلابی و اجتماعی و ستایش آزادی در برخی از نشریات خاص کودکان از جمله مجله‌ی کیهان بچه‌ها مورد توجه واقع شد و در نتیجه شعرهایی برای کودکان و نوجوانان به چاپ رسید که بعضی از این شعرها را خود آقای یمنی شریف که در آن هنگام هنوز سردبیر مجله کیهان بچه‌ها بود، می‌سرود.

شاعران کودک در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، گروهی از شاعران جوان و کم‌تجربه اما شورمند، به عرصه‌ی شعر کودک پا گذاشتند. این گروه بر اثر تحولات سریع سیاسی و اجتماعی که در کشور روی می‌داد، شعرهایی بارنگ و آهنگ مناسب سرودند. مضمون بیشتر شعرها، نخست درباره‌ی انقلاب و آزادی و پیروزی بود. سپس رفته رفته جنگ، شهادت، تبلیغات دینی و سیاسی، مناسبت‌هایی چون ورود رهبر، روز ۲۲ بهمن و... سروده‌های آنان را ویژگی خاصی بخشید. البته در کنار موضوع‌های جدید، توجه به مظاهر طبیعت، روستاستایی، پرداختن به مضامین آموزشی و رفتاری هم چون گذشته، بخشی از شعرهای این دوره را تشکیل می‌داد.

الف- گروه اول

نخستین گروه از جوانانی که در سال‌های آغازین انقلاب به شعر کودک روی آوردند و غالباً نیز شعرهای خود را در مجله‌ی کیهان بچه‌ها چاپ می‌کردند، عبارت بودند از: وحید نیکخواه آزاد، شکوه قاسم‌نیا، جعفر ابراهیمی، شراره وظیفه‌شناس، مصطفی رحماندوست، بیوک ملکی، اسدا... شعبانی و... . قضاوت درباره‌ی حاصل کار این عده نیازمند بررسی شعرهای چاپ شده‌ی آنان در انبوهی از کتاب‌های شعر است که در طی این سالیان سروده‌اند، اما در یک نگاه کلی به آثار شعری چاپ شده در این دوره می‌توان نتیجه گرفت که هر یک از این عده تجربه‌های موفق و ناموفق بسیار داشته‌اند.

ب- گروه دوم

در میان گروه دوم از شاعران جوان که بیش‌تر آن‌ها نخست شنوندگان آزاد جلسه‌های نقد و بررسی شعر



کودک بودند، به این نام‌ها می‌توان اشاره داشت: محمد کاظم مرینیانی، ناصر کشاورز، افسانه شعبان نژاد، حسین احمدی، افشین علا، بابک نیک طلب، داود لطف‌آبادی، ملیحه مهر پرور، سهیلا علی محمدی، آتوسا صالحی، محمود پور و هاب، مجید ملا محمدی و رودابه حمزه‌ای و ...

ج - گروه سوم

در سال‌های اخیر با گروه سومی هم آشنا شده‌ایم که به شعر کودک روی آورده، فعالانه در نشریات کودکان، شعر چاپ می‌کنند. مهدی الماسی، مهری ماهوتی، سعید هاشمی، رابعه راد، فاطمه سالاروند، احمد خدادوست، عرفان نظرآهاری، علی اصغر نصرتی، علی اصغر سیدآبادی، بنفشه برومند، خانانه ظاهری، شاهین راهنما، پیوند فرهادی و ... در کنار این جریان باید به کوشش‌های ارزنده‌ی کسانی چون م. آزاد، دکتر قدمعلی سرامی، صفورا نیری، پیرابه غمائی توجه کرد که ضمن پرداختن به ادبیات بزرگ سالان برای کودکان نیز شعرها و قصه‌های منظوم خوبی سروده‌اند. همین‌طور باید از مسعود محمودی، جواد محقق، قیصر امین پور و ... یاد کرد که هر کدام در این پهنه کوشش‌هایی کرده و کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان انتشار داده‌اند. (۱۷)

خوش‌بختانه امروزه هم به لحاظ تعداد قابل توجهی از شاعران کودک و هم به سبب آثار زیادی که برای قشر کودکان انتشار می‌یابد، می‌توان گفت که شعر کودک در ایران با همه‌ی دشواری‌ها، بر بالیده و به نظر می‌آید که در این پهنه اتفاق مهمی روی داده است. بی‌تردید هنگام آن رسیده است که شعر کودک در سالیان پس از انقلاب ارزیابی شود و به دور از داوری‌های تنگ نظرانه و برخورد‌های محفلی، فراز و فرودهای آن باز شناخته شود. هم چنین موانع و دشواری‌هایی که در سر راه اعتلای هر چه بیشتر شعر کودک و توفیق شاعرانه به چشم می‌آید، بر طرف شود ...

پانویس‌ها:

- ۱- محمود کیانوش
- ۲- محمود کیانوش
- ۳- جبار باغچه بان
- ۴- کیهان بچه‌ها، شکوه قاسم نیا
- ۵- رنگ آمیزی، اسدآبادی ... شعبانی
- ۶- Image
- ۷- محمود کیانوش
- ۸- پروانه و گل سر، اسدآبادی ... شعبانی
- ۹- عصا و اسب چوبی، اسدآبادی ... شعبانی
- ۱۰- برای آشنایی بیشتر با این موضوع مراجعه شود به نشریه‌ی پویه، دوره جدید، شماره ۱-۲. مقاله ساده‌نویسی، شادروان ایرج جه‌شاهی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۱- بر قایق ابر، از پروین دولت‌آبادی.
- ۱۲- مراجعه شود به فصلنامه‌ی کانون دوره دوم، شماره ۳ و ۴. قدیمی‌ترین شعر برای کودکان، سیروس طاهباز، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۳- رجوع شود به شعر نوجوان و کودکان در ده قرن، آزاده مقدم.
- ۱۴- نیم قرن در باغ شعر کودکان، عباس یمنی شریف، روش نو.
- ۱۵- برای آشنایی با شعر نیمایی، رجوع شود به کتاب بدعتها و بدایع نیمای پوشیج، نوشته‌ی مهدی اخوان ثالث، توکا.
- ۱۶- تضمین: آوردن شعر یا عبارت دیگران در میان سروده‌های خود را تضمین می‌گوییم.
- ۱۷- غیر از افرادی که در اینجا نامشان آمد، قطعاً کسانی دیگر هم هستند که نامشان شاره شود. اما پرداختن به کار آنان در این مجال ممکن نیست.